

متن پرسش

سلام حضرت استاد: وقت شریف بخیر. ۱. برای خواندن تمهیدالقواعد و فصوص دانستن فلسفه تا چه مقدار لازم است؟ ۲. در نزول دفعی قرآن همه هفتاد بطن با نظر به تشکیکی بودن آن بر قلب سالک نازل می‌شود؟ ۳. در انواع کشف گاهی موطن دریافت و موطن ظهور یکی است یعنی هر دو قلب است مثل کشف الهامی و گاهی موطن دریافت و موطن ظهور متفاوت است یعنی موطن دریافت قلب و موطن ظهور قوای نفس ناطقه است؟ درست متوجه شده‌ام؟ ۴. در تفاوت حدس و فکر می‌توان گفت حدس مقامی است که حقیقت پیش ماست و اتحاد دانایی و دارایی (بر حقایق به اجمال) است و اما در تفکر عادی باید حرکت کنیم و حقایق را به دست آوریم و لزوماً دارایی نیست؟ ۵. می‌توان گفت حجاب ناشی از توجه به مقامات گاهی حجاب ظلمانی است اگر منجر به تحقیر و تکبر شود مثل بلعم باعور یا سامری و گاهی حجاب نورانی است؟ ۶. حجاب ناشی از توجه به ثواب و بهشت برای سالک تاجر و ترس از جهنم برای سالک برده چه نوع حجابی است؟ ۷. آیا امکان دارد در مکاشفات کاذب مبدا القاءات خود نفس ناطقه باشد. مثلاً در کشف صوری سماعی صدای خودمان را بشنویم مثل شنیدن صدای خیالاتمان در خواب؟ ۸. مانع ظهور در برخی قوا چیست؟ درونی و مربوط به قصور سالک است یا عامل دیگری در این محرومیت نقش دارد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- فلسفه‌ی حکمت متعالیه در این مورد بسیار مفید خواهد بود ۲- حقایق، کثرت‌بردار نیستند هرچند دارای شدت و ضعف باشند و لذا همواره تمام بواطن قرآن در حقیقت قرآن حاضر است هرچند که آن حقیقت به تناسب محل تجلی آن دارای شدت و ضعف باشد ۳- قلب از قوای نفس ناطقه جدا نیست، پس بنابراین همواره موطن دریافت حقایق به صورت حضوری، قلب است ۴- در رابطه با تفاوت حدس و فکر، تعریفی که می‌فرمایید رویهمرفته قابل قبول است ۵- بد نیست ۶- حجاب‌های نورانی است ۷- بسیاری موارد همین‌طور است ۸- بعضاً خصلت‌های انسان مانع ظهور بعضی از انوار قوا است و بعضاً مصالح مقدّر شده توسط حضرت حق. موفق باشید